

بسم الله الرحمن الرحيم

مجری: آیا امر به معروف و نهی از منکر به قانون نیاز دارد؟

دکتر شیخ الاسلامی: در وجود ما، امر به معروف و نهی از منکر بدیهی است. مهم این است که شیوه اجرای ما چگونه باید باشد؟ که این سخت است. درگیری و تنش نباید باشد. اما مجلس با آن ساده و آسان برخورد کرده است. طرح امر به معروف و نهی از منکر نپخته و پر از اشکال است. شورای نگهبان فقط ایرادات طرح را گرفته است اما ماهیت آن را بررسی نکرده است. بحث اساسی بود بعد از شهادت علی خلیلی اتفاق افتاد. این قانون نمی تواند امر به معروف را زنده کند. یعنی نمی تواند نهاد سازی کند. باید بحث علمی بشود و پخته شود تا ببینیم اصلا نیاز به قانون هست یا خیر. فکر می کنیم با ستاد مشکل حل می شود اما افرادی که وارد ستاد می شوند وقت کار کردن ندارند. مشکل امر به معروف با تشکیلات حل نمی شود و باید در دانشگاه بحث جامعه شناسی بشود. بحث سنگینی است. قانون فعلی امر به معروف و نهی از منکر را خراب کرد و سطح فرهنگی و سطح مسئولیت پذیری افراد را بالا نمی برد. نباید مردم را در مقابل مردم و مردم را در مقابل دولت قرار دهیم. کار در امر به معروف و نهی از منکر نباید به درگیری برسد. این کار به عهده دولت است اگر هم قانون لازم باشد، این قانون نباید باشد. ما شعار امر به معروف و نهی از منکر می دهیم ولی مسئولین ما، دولتمردان ما در عمل به آن پایبند نیستند. اگر به آن پایبند بودند اجازه می دادند که رسانه ها آزاد باشند و حرف های مختلف در جامعه زده شود. بالاخره دولت باید یک سوزن به خودش بزند، یک جوالدوز به مردم، منتها سوزن را به خودش نمی زند.

اگر ما اصل هشتم قانون اساسی را قبول داریم که می گوید امر به معروف و وظیفه ی دولت نسبت به مردم هم هست، ابزار نوین امر به معروف در جامعه ی امروزی رسانه ها هستند؛ رسانه های آزاد، که بتوانند راحت انتقاد کنند، مچ گیری کنند و بتوانند اشکالات حکومت را بگیرند. لکنت زبان نداشته باشند و همه افراد بتوانند نسبت به آنها صحبت کنند. همان شعاری که ما در انقلاب داشتیم ولی الان می بینیم که همه چیز یک طرفه است؛ صدا و سیما یک طرفه است، بخش خصوصی در صدا سیما مداخله نمی کند، دولتی ست و مسائل مختلفی که با آن درگیر هستیم. خوب حالا شما تشکیلات جدیدی هم به این اضافه کنید و بودجه ی اضافه به دولت تحمیل کنید و بعد خوشحال باشیم که قانون امر به معروف نداشته ایم و به حمدالله آن هم تصویب شد و بنابر این مشکل فساد حل می شود.

مردم هم نسبت به هم چه بخواهیم چه چه نخواهیم امر به معروف و نهی از منکر می کنند، چه اصلش در قانون اساسی باشد، چه نباشد. شما وقتی همسایه تان شب صدا ضبطش بلند است و سر و صدا می کند، خوب میروید و در میزنی و می گویی که: آقا مردم خوابند. خوب همین امر به معروف است.

وقتی که می بینیم یک فردی با سرعت زیاد یا ممنوع می آید، بالاخره توی دین هم نباشد - اصلا ما به دین کاری نداریم - وقتی شما می بینید که در دانشکده تخلفی دارد اتفاق می افتد، یک اتفاق ناگواری دارد اتفاق می افتد، فردی دارد به دانشجویی ظلم می کند یا زور می گوید، توی خیابان یکی دنبال خانمی راه می افتد ، خوب بالاخره انسان با نگاهش، هر کسی به سبک خودش، یک فرد شجاع تر است یک فرد ، ابراز تنفر می کند که این کار زشت است. پس بنابراین این ها وجود دارد منتها این بحثی که شما مطرح کردید صرفا لایحه بود. لایحه قابل دفاع نیست و اگر قانون هم لازم داشته باشیم، قانون رسانه های آزاد، قانون مطبوعات آزاد، این دسته از قوانین است.

مجری: متشکرم پس الان جمع بندی که از بحث داشتیم شما می فرمایید که نیازی به ورود مجلس نیست و مردم خودشان باید وارد شوند.

دکتر شیخ الاسلامی: من این جمع بندی را نکردم بلکه گفتم: یک، باید بحث علمی بشود. من کاره ای نیستم که بگویم هست یا نه. آیا خلأ قانونی داریم؟ آیا کمبود داریم یا خیر؟ باید یک تیمی بیاید کار علمی بکند مثل همین جلسات، مخالف و موافق بحث کنند پخته بشود. مسئله ی بعد بیاییم ببینیم نیازی به این قانون داریم یا نداریم. دو، اگر نیازی به قانون داشته باشیم که من نمی دانم داریم ، بالفرض اگر داشته باشیم این قانونی که در مجلس تصویب شده است فقط امر به معروف را خراب کرده و یک بار منفی ایجاد کرده است . من هم چهار-پنج بار به عنوان یک معلم حقوق آن را خواندم و از داخلش چیز خوبی که بشود واقعا امیدوار بود که سطح فرهنگی جامعه برود بالا، مردم احساس مسئولیت بکنند نسبت به هم ، از این قانون بر نمی آید. فقط چند ماده است که در حقیقت مجلس اعلام بکند که ما در این حیطه وارد شده ایم و بی تفاوت نبودیم. این جمع بندی.

دکتر طلابکی : بنده هم تشکر می کنم از برگزار کنندگان جلسه که به هر حال دغدغه داشتند نسبت به این واجب اجتماعی و این جلسه را برگزار کردند. پیشاپیش هم میلاد حضرت زینب(س) را به همگی شما تبریک عرض می کنم.

قبل از پاسخ به سوال این را ذکر کنم که به هر حال خوشحال هستم که در محضر استاد محترم آقای شیخ الاسلامی هستم و ان شاءالله که از بیانات ایشان استفاده می کنیم. قصد هم این است که یک چیزی یاد بگیریم و دانش حقوق را و قانون نویسی را و قانون گذاری را بتوانیم پیش ببریم.

ببینید در این که ما در مورد امر به معروف و نهی از منکر قانون نیاز داریم شکی نیست، بحث در این است که آیا قوانین موجود کافی هست یا نه؟

چرا شکی نیست؟ چون در اصل هشتم قانون اساسی ، می گوید که در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای ست همگانی و متقابل ، بر عهده ی مردم نسبت به یکدیگر، مردم نسبت به دولت و دولت نسبت به مردم. حدود، شرایط و کیفیت آن را قانون تعیین می کند. در همان جلسه ای که اصل هشتم نوشته می شد ، یک سؤالی که مطرح می شود این است که می گویند: این که شما گفتید حدود و شرایط و کیفیت را قانون معین می کند یعنی چه؟

نائب رئیس مجلس بررسی که شهید بهشتی بودند می گویند که یعنی هم این قانون اساسی که ما داریم می نویسیم و هم قوانین عادی . شما اگر قانون اساسی را ببینید یک سطر نسبت به اصول کلی دارد و اصول بعدی جزئی می شود ، پس ما باید توجه کنیم که چون اصل هشتم جزء اصول کلی قانون اساسی هست.، قرار بوده راجع به آن قانون داشته باشیم. یک بخشی از آن در سازمان هایی که در قانون اساسی منصوب شده مثلا سازمان بازرسی کل کشور یا بخش هایی از قوه ی قضائیه . یک سری مسائل دیگر را هم قرار بوده قانون عادی تعیین بکند.

در همان جلسه چون بسیاری از آقایان فقیه بودند می گویند که حدود و شرایط در کتب فقهی آمده پس دیگر شما نگویند که حدود و شرایط را قانون تعیین می کند. بگویند که فقط کیفیت را قانون تعیین می کند.

آنجا نائب رئیس پاسخ می دهد که اولاً حدود و شرایط و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر مردم در مقابل دولت در کتب فقهی ذکر نشده بنابراین ما حدود و شرایط را هر قدرش که در کتب فقهی هست ، می آوریم ، کیفیت هم که در قانون می آید و قانون باید مشخص کند. منظورشان از کیفیت هم بیشترین است که آیا امر به معروف و نهی از منکر سازمان می خواهد تشکیلات می خواهد یا نه؟

باید توجه بکنیم که در کتب فقهی ما حدود و شرایطی که آمده بیشتر مربوط به زمانی است که حکومت اسلامی تشکیل نشده و متأسفانه بعد از انقلاب هم در کتب فقهی ما هنوز بر حدود و شرایط به نظر من باید بحث بشود . یعنی به نظر بنده ما قانونی نیاز داریم که حدود و شرایط و کیفیت را مشخص کند. مثال می زنم: شما می گویند که در امر به معروف و نهی از منکر ما مرتبه ی قلبی داریم، خوب مرتبه ی قلبی یعنی چی ؟ بعضی از آقایان می گویند که مرتبه ی قلبی از امر به معروف و نهی از منکر یعنی صرفاً ناراحت بشوی. خوب بعضی از فقها پاسخ داده اند که نخیر این طور نیست. مرتبه ی قلبی یعنی این که اگر شما ناراحت شدی ناراحتی شما باید در چهره ی شما بیاید و در حرکات شما بروز و ظهور پیدا بکند. مثلاً اعراض، روگرداندن، بی توجهی، اخم کردن.

خوب شما اینها را ببینید اگر بخواهید تبدیلی کنیم به یک امور ملموس و حقوقی وقت می خواهد ، کار می خواهد. (مرتبه ی قلبی) مال چیست؟ مال این است که شما برخورد فیزیکی می کنید ولی در قلبی شما رفتار می کنید اما با طرف کاری ندارید، کار فیزیکی با او نمی کنید. در جلسه ای نشستیم، بلند می شوید جلسه را ترک می کنید پس ببینید اینها چیز هایی است که اصلاً بحث نشده و قابل بحث است بنابراین عرض من این هست که قوانینی که الان داریم، سازمان بازرسی کل کشور داریم موارد دیگری داریم قانون مطبوعات داریم یا مثلاً احزاب ، این ها به نظر بنده شرایط و کیفیت را دقیق مشخص نکرده است و منی که به هر حال می خواهم امر به معروف و نهی از منکر بکنم باید بدانم در چه شرایطی می توانم عمل بکنم .

نماز یک امری است که من خودم به کس دیگری کار ندارم ولی در امر به معروف و نهی از منکر بحث تراحم مطرح می شود. شما با سایر افراد کار دارید پس بنابراین این باید این دقایق مسئله تا حد زیادی روشن شده باشد. پس به نظر من به قانون نیاز داریم و

این نکته را هم توجه کنید که امر به معروف و نهی از منکر، سه بعد دارد یعنی مردم نسبت به دولت، دولت نسبت به مردم، مردم نسبت به مردم، همه این ها باید تبیین بشود.

شما حتما رفته اید در ادارات مختلف به در و دیوار چسبانده اند که اگر فردی به کارمندی حین فعالیتش توهین بکند اینقدر حبس می شود. یعنی شما اصلا جایی نداری که بخواهی به طرف اعتراض بکنی و نقد بکنی. این مباحث هیچکدام نیامده دقیق بررسی بشود یا خیلی موارد دیگر. مثلا شما فرض کنید دادستانی، ما راجع به دادستانی هنوز یک قانون دقیق نداریم. توجه کنید امر به معروف و نهی از منکر دولت نسبت به مردم همیشه اینطوری نیست که دولت بخواهد بنده را به این عنوان که من یک خلاف شخصی کردم با من برخورد بکند. برخورد با اصناف هم خودش میشود یک نوع برخورد. الان جایگاه مدعی العموم در بسیاری از مسائل که مربوط به حقوق مردم هست واقعا روشن نیست. فرض کنید مثلا آلودگی هوا را چه کسی باید حل کند؟ دادستان است که می تواند به نیابت از مردم، چون به هیچ وجه اجازه ندارند وارد مرحله ی عملی بشوند، بیاید ورود بکند، بازخواست کند، بالاخره این مشکل چگونه باید حل بشود؟ پس به نظر بنده ما نیاز به قانون داریم منتها در این موضوع با آقای دکتر من مشترکم که این طرحی که نوشته شده نیازمند بحث و بررسی بیشتری بود. البته این سابقه اش، یک سابقه ی طولانی است. در واقع کمیسیون اجتماعی یک دغدغه دارد برای ورود به بحث و کمیسیون فرهنگی یک دغدغه ای. این ها دغدغه هاشان جدا بود مثلا این دغدغه ای که آقایان داشتند همین بود که می گفتند، الان امر به معروف و نهی از منکر به نوعی جرم است. الان بعضی از قضات صرفا اگر یک نفر به یک خانمی تذکر بدهد به عنوان مزاحمت بانوان مجازات می کردند. چرا؟ شما استحضار دارید که در قانون مجازات اسلامی به عنوان عوامل موجه جرم، امر به معروف بود که آن، برداشته شد، الان بعضی قضات این استنباط را می کنند. این دغدغه را کمیسیون اجتماعی داشت که چند ماده بنویسیم که امر به معروف و نهی از منکر جرم نباشد، حالا قانون نوشتن اش بماند برای زمانی دیگر. بعد عده ای گفتند مقداری مفصل تر بشود، من قبول دارم این طرح اشکالاتی دارد ولی از حق نگذریم در این طرح بعضی از مواد، مواد بدی نیست. موادی که سعی کرده، حق مردم را در نقد عملکرد مسئولین شناسایی کند، ممکن است آنها هم هنوز قابلیت بحث بیشتری داشته باشد، ولی بنظر موادی مثل ماده ۸ ماده ۹ و موادی سعی کرده است اگر فرد خاصی مقام دولتی را امر به معروف و نهی از منکر کند، از او حمایت بکنند، موادی است که مهم است. قاعدتا نسبت به اینگونه طرح ها نظرات موافق، مخالفی وجود دارد، باید این ها را با هم جمع کرد. به نظر من این طرح می تواند خیلی بهتر باشد. مثلا نسبت به دعوت به خیر اصلا توجهی در این طرح نشده، در صورتی که بحث بسیار مهمی است، این توجهات بیشتر بشود، بعضی بدسلیفگی ها رفع شود، ولی اصل این دغدغه محترم هست، و تکلیفی بوده که مجلس و دولت داشتند، سی و چند سال انتظار می رفت، البته در قالب بعضی قوانین انجام دادند، ولی به نظر من کافی نبوده است.

مجری: من دو سوال را باهم ادغام میکنم، یکی اینکه مفهوم معروف و منکر مفاهیم گسترده ای است و تعابیر گوناگونی دارد. کدام مرجع تشخیص میدهد چه عملی منکر و چه عملی معروف است؟ و دوم اینکه من طبق قانون این

حق را دارم که در مقابل عمل خلاف شرع واکنشی نشان دهم آیا این ناقض حریم خصوصی افراد نیست؟ می‌خواهم این بحث باز تر بشود.

دکتر شیخ الاسلامی : من فکر میکنم برای این که امر به معروف رو برای دوستان باز کنیم من نظر خودم رو بگویم . مفاهیم در طول زمان چه بخواهیم و چه نه ، تغییر نمیکنند . یعنی امر به معروف و نهی از منکر ۱۴۰۰ سال قبل با امر به معروف و نهی از منکر الان اگرچه ماهیتش یکی هست ولی شکل و ابعادش کاملا مختلف شده است . یعنی اگر ساده انگاری بکنیم و یک نگاه سطحی به امر به معروف و نهی از منکر بکنیم اشتباه کردیم و در زمان خودمان زندگی نکردیم . نگاه کنید وقتی پیامبر امر معروف و نهی از منکر را گفت تشکیلات و توسعه حکومتی مثل امروز نبود و مردم همه کاره بودند . اگر در اسلام کسی دیگری رو از روی عمد به قتل برساند آن قاتل را تحویل خانواده ی مقتول می دادند و می گفتند اگر میخواهید او را بکشید ، قصاص کنید ، آزادش کنید اگر خواستید پول بگیرید و معامله کنید ، یعنی حاکمیت حقوقی به معنای امروزی نبود و مردم توی قسمت امر به معروف و نهی از منکر نقش خیلی پررنگی داشتند و تکیه بر این بود که مردم جامعه رو اداره کنند و به جز هفت هشت حدی که اسلام تعیین کرده بود مانند زنا و لواط و مثل قتل و شرب خمر که خود حکومت دخالت میکرد و اجازه نمی داد افراد دخالت کنند بقیه ی منکرات مردم برخورد می کردند و معروف را هم مردم به عهده داشتند . ما الان در قرنی هستیم که نظام حقوقی مدرن شکل گرفته است . نظام حقوقی مدرن هم خیلی پیچیده است . ما هر چقدر هم بیشتر مطالعه کنیم می بینیم پیچیدگیش بیشتر است . امر به معروف و نهی از منکر هم دیگه به آن سادگی که قبلا فکر میکردیم نیست . ببینید توی سه حیطه من بخواهم خلاصه بگویم چون بحث مفصل است

امر به معروف نسبت به دولت : خوب در قدیم پیامبر می آمده صحبت میکردند . پیامبر گفته است اگر حقی بر گردن من هست بگوئید می‌خواهم ادا کنم . یک عرب جاهلی بلند میشود ، پیامبر را امر به معروف میکند و میگوید شما حقی دارید ، روی اسب یا شتری بودید می‌خواستید بزنید ، به من خورد و پیامبر هم تمکین میکنهد که این بنده خدا بیاید حقش را بگیرد و اون می آید و حالا پیشانی پیامبر یا به اصطلاح می رود در بغل پیامبر که در روایت هست می بوسد و میگوید من فقط می‌خواستم بوسه ای بر بدن مبارک شما بزنم . خب این یک سیستم هست که با یک جمعیت هفت هشت هزار نفری بوده است . اما الان وقتی ما صحبت از امر به معروف مردم نسبت به دولت میکنیم ، ما تفکیک قوا داریم یعنی رسیدیم به این که یک قوه بشود مجلس ، یک قوه مجریه و دیگری هم قضاییه ، نظارت بکند . الان قوه قضاییه دارد امر به معروف و نهی از منکر میکند دیگر ، از نظر هم انجام میدهد دیگر.

حاکمیت مردم به مفهوم خاصش که امروز داریم میشود امر به معروف و نهی از منکر . رسانه های آزاد و احزاب آزاد ، امر به معروف و نهی از منکر می شود . ما این ها را باید رویش کار کنیم . با چهار تا ماده نوشتن امر به معروف امر نمیشود . من این مثال رو در سوئد بزنم . نگاه کنید امر به معروف این است : در دنیای امروز این را امر به معروف و نهی از منکر می گویند . دولت سوئد می گوید که بیشترین امکان فساد ما مثلا در وزارت اقتصاد و دارایی هست . لذا به وزیر تکلیف میکند که تو موظف هستی یک نسخه از تمام حساب های مالی ات را در طبقه ی زیر زمین بگذاری خبرنگارها بیایند و ببینند . کنترل مردم بر حکومت ،

نظارت همگانی و امر به معروف که اگر ببینند منکری هست نقد بکنند . یا اگر کاری نمی شود امر بکنند . تمام این ها هست . خبرنگارهایی هم که می آیند این جا گزارش تهیه بکنند دکترای اقتصاد دارند، یعنی ممکن است از بقیه بیشتر آگاهی داشته باشند . اتفاقی هم که افتاده بود یکی از خبرنگاران فاکتوری رو پیدا میکند که وزیر با خانواده اش شام خورده و این را به پای وزارت خانه نوشته است . این را بزرگش میکند و از وزیر وقت میگیرد که میخواهم مطبوعاتی اش کنم و آبرویت را ببرم که یک منکری انجام دادی . خب آقای وزیر هم به او پاسخ میدهد که نه اقا شما برگه های زیرین رو هم نگاه کن که ما مهمان خارجی داشتیم و به اتفاق مهمان رفتیم غذا خوردیم و از لحاظ عرفی باید می رفتیم . باز آقای خبرنگار پاسخ می دهد که شما خانواده ات را نباید می بردی خودت باید می رفتی . مدت ها روی این موضوع بحث میشود که وزیر که غذایی خورده درست بوده از لحاظ قانونی یا منکر بوده و کار زشتی کرده است ، پیش زمینه های امر به معروف و نهی از منکر آماده است . مجلس تکلیف کرده که آقای وزیر ما اسناد محرمانه نداریم . باید مردم بفهمند مردم هم بیکار که نیستند ، نمایندگان مردم میشوند مطبوعات آزاد . مدت ها بحث روی همین بود . شما ببینید توی طبقه بندی کشورها از لحاظ اقتصادی که از یک تا ده نمره دادند در ۱۸۰ کشور که سازمان ملل رتبه بندی کرده سوئد رتبه ی ۳ و ۴ را دارد و ایران رتبه ی ۱۴۰ - ۱۳۰ از لحاظ فساد . این امتیاز ۳ هست و فرضا آن امتیازش ۱۰ .

خب امر به معروف نهی از منکر واقعا بحث شعاری و قانونی نیست . مطبوعات آزاد هستند ، رسانه های آزاد هستند ، احزاب آزاد که ما نداریم . دسترسی آزاد اطلاعات ، شما هر جا بروید محرمانه میدهند و بعد فسادها یکی یکی در می آید . در حقیقت فکر میکنیم قانون نداریم برای امر به معروف .

امر به معروف نسبت به ملت : نسبت به دولت چیزی که بیان شد ابزار جدید آن بود . از قدیم ما این ها را نداریم . قدیم قرن سوم چهارم تازه محتسب تشکیل دادن به عنوان اهل سنت که امر به معروف میکرد . مردم که نمی رفتند یکی یکی به جامعه تذکر بدهند طرف جلوی شان می ایستد و میگوید به تو چه ربطی دارد و درگیری میشود . قدرت ایجاد کردند به عنوان محتسب . خب ما در حال حاضر امر به معروف نسبت به ملت باید سیاست جناحی داشته باشیم که نداریم . سیاست جناحی به چه معناست ؟ به این معنا که پاسخ هایی که جامعه به پدیده ی مجرمانه می دهد که نیاز جامعه ی مدرن است . پاسخ های کیفری یعنی مجازات که حکومت انجام می دهد و درست هم میگوییم که امر به معروف در مرحله ی جدید ممنوع است . حکومت هم گفته فتوای رهبری هم هست افراد دیگر حق دخالت ندارند چون جامعه تغییر کرده ، مجازات را حکومت میکند به شرطی که پاسخ کیفری باشد .

پاسخ غیر کیفری (پاسخ پیش گیری) : چقدر کار کردیم در جامعه که از فساد پیش گیری کنیم ، پیش گیری کنیم از منکرات . پیش گیری نه این که اتفاق بیفتد یا در معرض این باشد که اتفاق بیفتد و من و شما وظیفه داشته باشیم برویم تذکر بدهیم اصلا در سیستم نتواند فساد اتفاق بیفتد . این ها جای بحث عمیق دارد .

پاسخ های انضباطی ، پاسخ های اداری : اگر من کارمند متخلفم ، سیستم اداری پاسخ بدهد نه این که همکارم یقه ی من را بگیرد که تو متخلفی . سیستم انقدر قوی باشد که اگر من تخلف کردم سیستم من را اخراج کند و پاسخ های اداری بدهد پاسخ های

انضباطی بدهد. من گفتم پاسخ هایی که جامعه بدهد. ببینید نکته همین جاست. جامعه پاسخ می دهد. جامعه هم دو قسم هست جامعه رسمی (حکومت، دولت) که دارد پاسخ هایش را میدهد مجازات میکند ان شا... و برخورد درست میکند. جامعه ی غیر رسمی (جامعه مدنی): جامعه ی مدنی یعنی من و شما. امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ی کنونی یعنی پاسخ مدنی با همه ی گستردگی اش. الان در فرانسه گفتند پلیس فرانسه بی عرضه است و نمی تواند امنیت برای مردم ایجاد کند، سرقت زیاد است. خود مردم خصوصی استخدام کردند. مثل پول شارژ که شما برای آسانسور و نظافت پرداخت میکنید یک پول هم برای امنیت می دهند. برای امر به معروف و نهی از منکر که گشت میزند و مواظبه که کسی تخلف و منکری انجام ندهد. پس جامعه ی مدنی هم میتواند پاسخ بدهد. هیئت منصفه در عصر حاضر، شما در فیلم ها دیده اید هیئت منصفه حضور دارد. رندوم هست مثل کشور ما نیست که هیئت مسئولین را انتخاب کنند. رندوم در کامپیوتر همه ی شهروندان هستند. یازده نفر اسمشون را درمیان برای هر محاکمه یکی از هیئت های منصفه قضاوت میکنند. مردم قضاوت میکنند شما کار زشتی کردید. در مسائل سیاسی این هایی که محکوم اند و زندان اند میگویند که حکومت حجت داشته مارا زندان آورده ولی مردم با ما هستند. منتهی امر به معروف و نهی از منکر این است که مردم قضاوت کنند، این مجرم سیاسی باید زندان برود یا حق با این هست. ای حکومت تو برو خودت را درست کن. ایرادی که دارد به تو میگوید درست است. نباید زندان برود. منتهی ما عناوین کلی داریم اشاعه اکاذیب، تبلیغ علیه نظام که ترس ایجاد کرده است. نکته آخر را هم بگویم، نگاه کنید، پاسخ هایی که جامعه با همین ترتیب به یک پدیده ی مجرمانه می دهد. سه حالت هست: فقط قانون، فقط پلیس، فقط دادگستری. ما حق نداریم با جرم برخورد کنیم حق داریم روی ترش کنیم حق داریم تذکر بدهیم ولی برخورد نه. انحراف یعنی رفتاری که در حد جرم نیست انحراف هم نسبی هست مانند حجاب و... که مسائل جدی هست که در دانشکده ها باید در مورد آن بحث شود. ممکن است حجابی که الان انتخاب می کنند از لحاظ عرفی تفاوت بکند. بنابراین این منکر و معروف یک حالت نسبی بودن هم ما به آن داریم و این پدیده ی مجرمانه هر کدام از مراحلش فرق میکند. تذکر مردم نسبت به مردم هم در حوزه ی اخلاقی است. شما می روید داخل کتابخانه درس بخونید ببینید یکی با کناری اش صحبت میکند و حواس شما را پرت میکند نگاهش میکنید، جواب نداد میگید اقا این جا کتابخانه هست و ما داریم درس میخوانیم و حواس ما پرت میشود. شما دارید خاطره گوش میکنید. امر معروف مردم به مردم نیاز به قانون ندارد و در تمام دنیا هم دارد انجام میشود، اما در شکل نوین آن یعنی چهارجوب های قانون مند، کاری نکردیم. در عوض قانونی که به نظر من همش ایراد است را داریم. در قانون گفته شده ارباب رجوع میتواند تذکر بدهد به مدیر که چرا تکریم ارباب رجوع نکردید. مبهم است. من میروم اداره ای، برایم چای نمی آورند، امر به معروف میتوانم بکنم. می بینم قاب عکسی زده یک میلیون تومان. تشخیص هم باخود من است، نه جامعه آماده است نه روی این ها کار کردیم. چرا تو قاب عکس یک میلیونی زدی؟ یک درگیری بین مردم، در دانشگاه هر کسی برای خودش یک معرفی تعیین میکند نتیجه اش درگیری بین دانشجویان. قانون به این ها دامن میزند که باید قوی تر در این قضیه کار بشود.

دکتر طلابکی: سوال شما این بود که چه کسی معروف و منکر را تشخیص می دهد؟ ببینید منابع تشخیص معروف و منکر مشخص است. در همین طرح مشخص کرده و می گوید معروف امری است که در قانون و شرع مشخص شده و یکی هم عرف

متشرعه است. که بعضی چیزها هست که عرف نمی‌پسندد و این منکر بشود. این سه تا در این طرح مشخص شده بود که شورای نگهبان به عرف متشرعه ایرادی گرفتند و گفتند در مواردی که شرعا حکمی ندارد ما نمیتوانیم بگوییم که بگوییم عرف متشرعه مشخص می‌کند. به شرع و قانون محدود کردند. بنابراین میخواهم بگویم که اینطوری نیست که هر کس، هر چیزی را تشخیص داد که معروف است بگوید من امر میکنم منکر را نهی میکنم. میخواهم بگویم در شرع و قانون همه موارد خلاف مشخص است و بحثی تحت عنوان اینکه بگوییم هرج و مرج ایجاد می‌شود نداریم. اگر همه در برابر قانون خودشان را ملتزم بدانند مشکلی پیش نمی‌آید. در کشورهای دیگر هم همین است همانطور که فرمودند آنجا هم چهارچوب‌هایی مشخص شده است. حقوق بشر بیشتر چیست؟ بیشتر حقوق بشر، حقوقی است که مردم در مقابل دولت دارند. در حقوق بشر امر به معروف و نهی از منکر صورت می‌گیرد. اگر حقی ضایع شود، مردم دولت را نهی از منکر می‌کنند. اما در مردم نسبت به مردم به این شفافیت که ما داریم نیست. چند وقت پیش خواندم که در یکی از ایالات آمریکا، خانمی چمن جلوی خانه اش را خوب نزده بود، همسایه از او شکایت کرده بود، او را جریمه کرده بودند. نیامده بود به خودش بگوید شما این را درستش بکن به چهره شهر لطمه می‌زند، مستقیم می‌روند شکایت می‌کنند و با آنها برخورد می‌کنند در واقع در آنجا این ارتباط بینایی به این صورت بین مردم وجود ندارد. در زمان تشکیل حکومت اسلامی، خیلی از فقها اشاره کردند که مردم حق برخورد فیزیکی یعنی، مرحله یدی را ندارند. به جز در موارد استثناء چنین حقی ندارند. آقای دکتر فرمودند یکی بحث دفاع مشروع بود، در قوانین جدید ما هم اگر اشتباه نکنم در قانون مجازات یا آیین دادرسی کیفری یکی دو مورد استثناء دیگر نیز دارد. مثلا وقتی جرمی واقع شد و ماموری حاضر نبود، مردم می‌توانند برای جلوگیری از فرار مجرم، دخالت بکنند.

پس در یک سری موارد ما بحث تعرض را به صورت استثناء داریم. نکته ای که می‌خواهم اشاره بکنم این است که، اگر ما بحث شفافیت اطلاعات را نداریم، همین مشکل نبود قانون است، متأسفانه چند وقت پیش در جلسه ای شرکت داشتم، دوستان طرح را نخوانده بودند، طرح را نقد می‌کردند و می‌گفتند دولت حق امر به معروف نسبت به مردم را ندارد. مشکل این است که کسانی که باید مباحث را تئوریزه بکنند، کار نمی‌کنند یا این مباحث را قبول ندارند یا اگر هم قبول دارند ورود نمی‌کنند. در بحث تجمعات، الان صدور مجوز با وزرات کشور است، خوب این باید بحث بشود، چه کسی و چگونه باید کار بکند؟ امر به معروف و نهی از منکر دولت نسبت به مردم بحث خیلی مهمی است. چون ما در امر به معروف و نهی از منکر به قدرت نیاز داریم. باید امر به معروف قدرت داشته باشد تا بتواند اثرگذار باشد، ما در این زمینه‌ها شفافیت قوانین را نداریم. خیلی‌ها دوست دارند کار و مقابل با فساد بکنند، اما چون شفافیت لازم نیست یا اعتقاد نیست، مثلا در بحث پیشگیری از وقوع جرم، امر به معروف خودش پیشگیری از وقوع جرم است. اگر احتمال دادیم که فردی مجدداً می‌خواهد مرتکب جرم بشود، بهش تذکر می‌دهیم و از او می‌خواهیم آن کار را انجام ندهد، منتها ما تا زمانی امر به معروف و نهی از منکر را تا وقتی که بسیاری از جنبه‌های حقوقی را می‌تواند تحت پوشش قرار بدهد، قبول نکنیم، قاعدتاً مشخص نیست که می‌خواهیم چه کار بکنیم و سردرگمیم. اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را با این گستردگی که در اصل هشتم قانون اساسی هست، بپذیریم، بسیاری از قوانینی که الان وجود دارد باید اصلاح شود. حتی مثلا بحث جرم سیاسی که فرمودند، بسیاری از آقایان قبول ندارند که مربوط به امر به معروف است، اگر بپذیریم بعد می‌توانیم راجع به آن قانون بنویسیم، امیر المومنین هم فرمودند کسی که خطا می‌کند با آن کسی که عمداً این کار را انجام می‌دهد متفاوت است.

نکته دیگر هم که می‌خواهم اشاره بکنم، تفاوت دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر است، نکته بسیار مهمی است. خیلی از اوقات این دو تا با هم خلط می‌شود، بعضی اوقات فرد آگاه نیست که این عمل اشتباه است، در اینجا، امر به معروف و نهی از منکرش نمی‌کنیم، می‌ایم ارشادش می‌کنیم، تنبیه غافل و ارشاد جاهل. امر به معروف مال زمانی است که فرد عالما و عامدا عملی را انجام می‌دهد، این جا می‌شود امر به معروف و نهی از منکر. حتی در بعضی از کتب فقهی ما هم روی این تاکید نکردند، به خاطر همین نظام سازی امر به معروف نداریم، به خاطر همین هر قسمت کار را از یک جا گرفتیم، جایی نگاه می‌کنیم غربی‌ها چه کار کردند، همین که آقای دکتر فرمودند اصلا زمان پیامبر چه وجهی داشت، اصلا پیامبر و امیر مومنان خودشان راه می‌افتادند در بازار شلاق به دست می‌گرفتند و نظارت می‌کردند بر کار بازار، حاکم اسلامی مستقیم ورود می‌کرد در این بحث و ما نهاد قدرتمندی تحت عنوان نهاد حسبه داشتیم که یکی از کارهای بسیار مهمش نظارت بر بازار بود. خب ما تشکیلات درست کردیم، اما تشکیلات ما در بسیاری اوقات دچار بوروکراسی شده است، در بسیاری اوقات اقتدار لازم را به صورت کارگشا نداریم یا همانطور که گفتند از مردم کمک نگرفتیم. باید در وجوه مختلف، دخالت مردم و دخالت حکومت، باید سیستم نظارتی را مورد بازبینی قرار دهیم. مثلا ما سازمان تعزیرات حکومتی را به قوه مجریه دادیم، افرادی که در آن سازمان هستند چه شرایطی دارند، به لحاظ حقوقی و شرعی چقدر اطلاعات دارند، همه اینها وصله پینه‌هایی هست که کردیم و باید بررسی کنیم. مرجع تشخیص معروف و منکر امر مشخص است و در مورد احزاب و موارد دیگر که فرمودند باید بازبینی بکنیم با نگاه کلی به امر به معروف و نهی از منکر. من یک رساله دکتری دیدم درباره پیشگیری از وقوع جرم، در این رساله شاید ۳۰۰، ۲۰۰ صفحه‌ای یک کلمه و یک اشاره به بحث اصل هشتم قانون اساسی نشده بود، چون به این بحث اعتقادی نداشتند، ما اگر با مبانی خودمان به مسائل نگاه بکنیم خیلی بهتر مسائل حل می‌شود، شهید مطهری اشاره می‌کنند به همین نهاد حسبه و می‌گویند من نمی‌گویم همه کارهای نهاد حسبه درست و خوب بود، اما یک ویژگی مهمی که نهاد حسبه داشت چون عنوان امر به معروف و نهی از منکر داشت، مردم آن را جزو امور دینی خودشان تلقی می‌کردند، و به همین دلیل حس مشارکت نسبت به این امر داشتند و تلاش می‌کردند وظیفه دینی خودشان را انجام بدهند. ولی از زمانی که نهاد حسبه به نهاد‌های دیگری مثل شهرداری فروکاسته شد، مردم احساس نمی‌کنند که دارند یک وظیفه دینی انجام می‌دهند، ما باید با نگاه به فرهنگ خودمان باید نهادها را تشکیل بدهیم و آن موقع از آن‌ها کار آمدی را طلب بکنیم. بنابراین به نظر من همین که در این طرح برای اولین بار نوشته شده مردم هم می‌توانند مسئولین را امر به معروف بکنند ما تا حالا جایی به این صراحت نداشتیم، در قوانین مختلف، در قانون صدا و سیما فقط اشاره‌هایی داشتیم، اما این که بالاخره چهارچوب مشخص بشود، قانون هست باید به گونه‌ای باشد که هم جلوی سوء استفاده افراد را بگیرد و هم به افراد آزادی بدهد، بنابراین اگر این چهارچوب‌ها دقیقا مشخص می‌شد، که هنوز جای کار دارد، خیلی از مشکلات حل میشد، و در واقع ما با اصل هشتم قانون اساسی نسبت به آن چه در غرب هست، در غرب ما فقط امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت را داریم، این سه بعد دارد یعنی ما مردم را هم می‌توانیم مشارکت بدهیم در پیشگیری از مفاسد. همانطور که گفتند مبارزه با فساد امری فطری است اما چهارچوب‌ها و شریانی‌های لازم را باید فراهم بکنیم.

مجری: یکی از مواردی که در مجامع مختلف راجع به امر به معروف و نهی از منکر بحث می شود، بعضی مجامع می گویند صرفاً وظیفه حکومت و بعضی می گویند فقط وظیفه مردم هست، این یک موردی هست که باید بیشتر بحث شود، و سوال دیگر این است که یکی از نکات کلیدی ای که بسیاری از حقوقدانان ایراد میگیرند این است که میگویند: این قانون تفاوتش با قانون مجازات های اسلامی چیست؟؟ ما اگر خیلی جاها متوجه میشویم که بعضی از حرکات در جامعه مصادیق مجرمانه دارد، ما میتوانیم آن را در همان قانون مجازات اسلامی بگذاریم او چرا ما باید قانون مجزا به امر به معروف و نهی از منکر اختصاص بدهیم؟

دکتر شیخ الاسلامی: این که شما بگویید فقط با این قانون - چون من مخالفم با این قانون - امر به معروف و نهی از منکر حفظ می شود. نه. ما از خیلی قوانین دیگر امر به معروف و نهی از منکر داریم. همان طور که شهید بهشتی گفتند هم خود قانون اساسی قانون امر به معروف و نهی از منکر است هم قوانین متعدد دیگر از جمله قانون بازرسی کل کشور، قانون مجازات و قانون آئین دادرسی کیفری. با یک نگاه می فهمیم که دارد امر به معروف و نهی از منکر میکند. یعنی با کارهای زشت برخورد میکند و کارهای معروف را امر میکند. بحثی که مطرح است اینست که چرا ما فقط آن را در ۲۴ ماده آوردیم؟ آن هم کلی گویی! که اصلاً خود من هم متوجه نشدم حرف حساب چیست؟ معروف این است، منکر این است اصلاً حق دارند، یعنی اگر این نمی گفت ما دیگر حق نداشتیم، الان داریم امر به معروف و نهی از منکر میکنیم؟ منتها اولاً ما در جامعه فضا را نسبت به امر به معروف و نهی از منکر، بعد از انقلاب بسیار بد کردیم. به قول یکی از دوستان، امر به معروف و نهی از منکر شده است منکر! مردم چندشان می آید، دیگر امر به معروف و نهی از منکر می بینند رو ترش میکنند! چرا؟ با اسلام مشکل دارند؟ نه. این ماییم که نمی توانیم مدیریت کنیم تا میگوییم امر به معروف و نهی از منکر فکر میکنند همین گشت ها و بگیر ببند و عکس های در اینترنت است، مثلاً خانمی رو به زور در عقب ماشین بیاندازند، مردم هم از آن دفاع کنند. خوب این امر به معروف و نهی از منکر نیست. کاری به مسایل اسید پاشی و دیگر مسایل ندارم میخواهم بگویم که این طرح، طرح موفقی نمی تواند باشد چون ما زمینه های اجتماعی را هم فراهم نکردیم. دین اسلام، دین رحمت است. اگر کسی هم امر به معروف و نهی از منکر میکند، اولاً عالم است دوماً آگاه است اهل سوء استفاده نیست. گاهی وقت ها یک سری انسان هایی که الفبای دین را بلد نیستند فقط امر به معروف آن هم یاد گرفتند که به افراد گیر بدهند، اشکال بگیرند و اشکال گیری را جلوی جمع مطرح میکنند که این امر به معروف و نهی از منکر و فرهنگ آن را در جامعه خراب کرده است که ما باید سعی کنیم آن را باز سازی کنیم. اگر دین هم نمی گفت امر به معروف جزو فروع دین است و واجب کفایست باز هم بنا به عقل چه اشکالی دارد؟ باید تذکر بدهیم! اشکالات را به هم بگوییم، ما انسانیم در این جامعه داریم زندگی میکنیم، منتها صوری اشکالات را بگیریم. حتما این را شنیده اید که: پیامبر(ص) در کوچه ای رد میشدند یک نفر روی سرشان خاک ریخت! فردای همان روز هم ریخت! یک روز دیگر که داشتند رد میشدند نریخت! پرسیدند برای چه امروز نریخت؟! گفتند مریض شده است. پیامبر امر به معروف و نهی از منکر کرد، به دیدن او رفت و شرمند اش کرد. فرد درست شد، و این امر به معروف تأثیر گذاشت!

سؤال اینجاست که چرا در این جلسه همه خواهران با حجابند و آنهایی که این بحث ها باید به گوششان بخورد، مشکل دارند، اختلاف دارند، نیامدند. چون دوستان حاضر همه امر به معروف و نهی از منکر را قبول دارند. چرا نمی آیند؟؟ نمی توانیم بگوییم

این جوانان با اسلام مشکل دارند، با قرآن مشکل دارند نه اینطور نیست، مابعد عمل کردیم! در دانشگاه هر سال میبینم که دوستان میگویند شما امر به معروف و نهی از منکر نکنید، می گویم چرا بکنیم، به عنوان رئیس دانشگاه، ولی سوال می کنم آیا ۱- خود شما عالمید؟ ۲- میدانید اصلاً چیست؟ مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بگویید! شرایط آن چیست؟ بلد نیستند فقط یاد گرفته اند رگ گردنشان بالا بزند و آن هم فقط به حجاب گیر بدهند و بعد هم با یک شیوه ی بد بگویند این چه حجابیست؟ که طرف مشخصاً لجبازی هم میکند! ولی ما داریم خواهش می کنیم که در امر به معروف و نهی از منکر خیلی قوی اند. ما هم از ایشان یاد بگیریم. به طرف نزدیک میشود به او پیامک میدهد که مثلاً این راهی که داری میروی غلط است با این پسری که میروی، رابطه داری فردا هزارتا مشکل برایت پیش میاید! حرفش را به او میزند، کار خودش را می کند خیلی هم سر و صدا نمی کند منتهی ما میخواهیم با سروصدا برخورد کنیم! جو جامعه هم متأسفانه بد است من خودم گاهی امر به معروف و نهی از منکر نمی کنم چون میدانم اثر معکوس میگذارد! یکی از موارد امر به معروف (احتمال تأثیر) است. مثلاً طرف با ماشینش دارد خلاف میاید من دارم درست میایم من برمیگردم عقب! در صورتی که اگر پیاده شوم و بگویم اینجا که داری میایی خلاف است و امکان عبور یک ماشین هم بیشتر نیست و منطقی است که انسان ها اشتباهاتشان را به هم بگویند ولی اولین کاری که آن فرد میکند جبهه میگیرد و بد برخورد میکند! چرا جامعه اینطور شده است؟ چرا زمینه های امر به معروف و نهی از منکر در جامعه از بین رفته است؟ یک عده معتقدند چون قانون نداریم! من اعتقاد ندارم اگر ۱۰ تا قانون دیگر هم وضع کنیم درست نمیشود. باید مردم را آرام کنیم، اقتصاد را باید درست کنیم، فرهنگ مردم را باید رشد دهیم! من این را قبول ندارم که در غرب، مردم به مردم، امر به معروف و نهی از منکر نمیکنند! میکنند. من دیدم. بلکه خیلی زیبا به هم تذکر میدهند و امر به معروف و نهی از منکر میکنند. مثلاً اگر کسی پشت فرمان خلاف کند همه نگاهش میکنند و با نگاه به هم تذکر میدهند که همان نگاه منفی از هزار تا حرف، جامعه شناسان می گویند، بدتر است. در غرب هم اگر کسی آرایش غلیظی کند مثلاً در مترو همه نگاه بدی میکنند، همان نگاه های منفی او را درست میکنند. این یعنی (امر به معروف و نهی از منکر). منتهی ما در طرح گفتیم اتومبیل حریم خصوصی نیست در این جا مردم جبهه میگیرند که یعنی چه؟ اتومبیل ما هست! قسمت های مشترک آپارتمان ها حریم خصوصی نیست! یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر این است که در حریم خصوصی دیگران حق ندارید دخالت کنید حتی اگر زشت ترین عمل اتفاق بیافتد!

داستانی را نقل قول میکنم. روزی فردی از خیابانی میگذشت، دید از خانه ای صدای ساز و دهل می آید، فرد هم آدم عصبانی ای بود و آمد امر به معروف و نهی از منکر کند، از دیوار آن خانه پرید به داخل و دید مجلس یکی از بهترین صحابه پیامبر است. گفت: تو خجالت نمی کشی پیامبر تازه فوت کرده است مجلس عیش و نوش به پا کرده ای، شراب هست، زن و مرد مختلط اند؟! تو خجالت نمی کشی؟ او در جواب گفت: اگر من ۱ گناه کردم، تو ۳ گناه کردی! اول اینکه در قرآن آمده از در به خانه وارد شوید که تو از بالای دیوار آمدی! دوم از در که وارد می شوی به اصحاب خانه سلام کنی! تو سلام نکردی. از همه مهم تر قرآن میگوید: ولا تجسسوا که تو فضولی و تجسس کردی! می گویند فرد شرمنده شد، سرش را پایین انداخت، گفت تو درست می گویی. پیامبر چنین افرادی را تربیت کرده بود، در این جامعه میشود امر به معروف و نهی از منکر کرد. هم فرد وارد می شود و هم آن صحابه پاسخ می دهد! بینش ها، دانش ها بالاست. مردم باهم بحث میکنند، می پذیرند. اما مردم ما عصبانی هستند، سطح مشکلات

فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و همه هم سیاسی شده است، همه چیز به نحوی به سیاست ارتباط دارد، جامعه سیاست زده شده است! شرایط به نظر من خوب نیست.

ما باید به جای این که قانون وضع کنیم، جلساتی بگذاریم بحث کنیم که چه کار کنیم. من با اینکه گرفتار هم هستم تا گفتند امر به معروف قوبل کردم. چون عنوان عنوان خوبی است عنوان روز است. دانشگاه ها رسالت دارند! نه این که بگویم همه حرف های من درست است. بلکه شما هم باید انتقاد کنید، نظر دهید، امر به معروف این است که شما بگوئید نه آقای شیخ الاسلامی اینجای حرفتان درست نیست، دارید اشتباه میکنید! باید این ها را مدیریت کنیم!

چند نکته، ابهاماتی که در این قانون وجود دارد. این قانون میگوید در این حیطه ها میشود امر به معروف و نهی از منکر کرد. مثلاً تکریم ارباب رجوع، اسراف و تبذیر. اینکه بیایید و بخواهید رییس دانشگاه را امر به معروف کنید که مثلاً چرا شیشه ها را عوض کردید مگر مشکلی داشت؟ هرکسی بدون این که بینش داشته باشد و بدون یک ساماندهی حقوقی منطقی بخواهد به خودش اجازه مداخله بدهد، سنگ روی سنگ بند نمی شود به خصوص اگر احساس شود دارد زور میگوید. سیستم امر به معروف و نهی از منکر، یک سیستم زورگویی نیست، یک سیستم اندرز به یکدیگر است که همدیگر را کنترل کنیم! ما مسلمان هستیم برادر و خواهر هستیم، باید اشکالات همدیگر را بگوییم مثلاً باید اشکالات من را بگوئید در غیر این صورت به من خیانت کردید! منتهی این که به چه صورت؟ در جلسه بگوئید و آبروی مرا ببرید؟ یا جلوی جمع یا در روزنامه؟ یا اینکه یک پروسه ی برادرانه منطقی را پیش بگیرید؟! من فکر میکنم خیلی از مواردی که در این لایحه آمده مثل امر به معروف کارمند به دولت، کارگر به کارفرما، دانشجو به استاد، سرباز به سرهنگ و... این امر به معروف بدون این که تعریف شود و بدون این که کار شود و جامعه شناسی شود و فقط در قانون بیاید، من این قانون را اطلاعیه میدانم. اصلاً شکل و شمایل قانونی به خودش نگرفته است. این که انسان ها میتوانند امر به معروف و نهی از منکر کنند در قرآن آمده است و همه میدانند! لازم نیست قانون حتماً بگوید، میشود به دولت هم انتقاد کرد و دولت را امر به معروف و نهی از منکر کرد این مگر نمیشود؟ این نشان میدهد جامعه مریض است. در تمام دنیا می شود این کار را کرد. پس این ها مواردی است که میشود روی آن بحث کرد و محورهایی را درآورد. و جمع بندی بحث این است که قوانین امر به معروف و نهی از منکر خیلی داریم و این ادعای درستی نیست که من ادعا کنم به عنوان اولین نفر این قوانین را میگویم و این بحث را ساماندهی میکنم! اما سؤال اینست که آیا این قوانین کاملند و هیچ نقصی ندارند؟ من هم با آقای طلابکی کاملاً موافقم. که این حیطه هنوز خیلی جای بحث و کار و نقد و بررسی دارد. در رسانه که ابزار نوین امر به معروف و نهی از منکر است، ابزار امروز است، قوانین شفاف نیاز است، در حیطه های دیگر باید بنشینیم و یک به یک، تخصصی با یک نگاه امر به معروف و نهی از منکر عارفانه، برادرانه، مهربانانه، و نه تخریب گرایانه، نگاه بکنیم که إن شاء الله از این نهاد که ریشه اسلامی هم دارد، و طبق صحبت های شهید مطهری یک پتانسیلی برای جامعه است، بتوانیم استفاده بهتری کنیم.

دکتر طلا بکی :- کسی که میخواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، باید شرایط و یکسری ویژگی هایی داشته باشد. اگر مردم ما آگاه نیستند، ما آگاهشان نکردیم! در کشورهای غربی در تمامی مدارس کشور درسی دارند که حقوق بشر را آموزش میدهند. ما باید مردم را آگاه کنیم که برای امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی باید داشته باشند؟، چه حدودی دارد؟ هنوز برایشان روشن نشده است. بله ما قوانین متعددی داریم اما آن قانونی که دقیقا این ها را بتواند روشن کند متأسفانه هنوز وضع نشده و ما به صورت جزیی تبیین نکرده ایم. بعضی از این مباحث واجد اختلاف نظر هست. باید این ها روشن شود. چون این ها روشن نشده گاهی کسی ورود می کند که شرایط لازم را ندارد. امر به معروف و نهی از منکر را تقلیلش دادیم به یک سری مباحث جزئی. رهبری در جایی گفته بودند بحث حجاب اولویت دهم ماست در بحث امر به معروف و نهی از منکر بحث مفاسد اقتصادی بحث مفاسد اداری بحث مفاسد اجتماعی ، ما بسیاری از امور را داریم که به آن ورود نمی شود و اقدام مناسب انجام نمی شود. می خواهم بگویم این نکته نیازمند اقدام حکومت است. قطعاً حکومت هم در انجام امر به معروف و نهی از منکر و هم در ترویج و آموزش امر به معروف و نهی از منکر نقش مهمی دارد. این که ما تفکر انتقادی را در جامعه گسترش دهیم نکته مهمی است. از سال هفتاد و سه که یک عده رفته بودند نزد رهبری انقلاب گفته بودند ما می خواهیم ستاد امر به معروف و نهی از منکر تشکیل دهیم. ایشان گفته بودند شما چند نفر نمی توانید امر به معروف و نهی از منکر کنید. شما بروید احیا کنید. ایشان خیلی روی امر به معروف و نهی از منکر زبانی تاکید داشته اند. مثلاً در مورد شرط تاثیر این را داریم که اگر یک نفر چیزی را بگوید تاثیر ندارد اما اگر همان را سه نفر با هم بگویند تاثیر دارد. لذا واجب است بر شما که بروید و تذکر بدهید.

بحثی که آقای دکتر فرمودند، بله اگر شفافیت اطلاعات داشته باشیم هر رییس دانشگاه نمی تواند هر کار که می خواهد بکند. وظیفه دارد اطلاع رسانی کند و دانشجو بداند در دانشگاه چه می گذرد. نه اینکه من از هیچ چیز اطلاع ندارم، از آن سو احساس تکلیف می کنم. پس نیاز هست که موظف بکنیم مسئولین را ، که مسائل را شفاف بکنند. پس در جهل نمی توان امر به معروف و نهی از منکر کرد.

نکته بعد ، بعد از اینکه اصل هشتم تصویب شد و زمانی که داشتند اصول قانون اساسی را جمع بندی می کردند چندین نفر تذکر دادند. گفتند راجع به امر به معروف و نهی از منکر راجع به سازمانش ما بحثی نکرده ایم. آن زمان سازمانات کل کشور در قانون اساسی مشخص شده بودند. دادستانی و ... مشخص شده بود. ولی علی رغم این، خیلی ها تذکر داشتند که قرار بود در مورد امر به معروف و نهی از منکر یک تشکیلاتی داشته باشیم. ولی به هر حال به نتیجه نرسیدیم. چون توی آن اوضاع شلوغ می گویند خود قانون معین می کند. به هر حال باز ما باید این را بحث بکنیم که آیا واقعا نیازمند تشکیلات هستیم؟ البته من خودم معتقدم که در امر به معروف و نهی از منکر که مردم نسبت به دولت دارند، یک مقام مثل دادستانی واقعا می تواند موثر باشد. شاید کافی باشد. من هم واقعا با برخی شوراها که هیچ خاصیتی ندارد موافق نیستم. یعنی فکر می کنم ما باید واقعا وارد اجرا بشویم. الان در دادستانی مثلا چقدر خوب بود یک معاونت احیا حقوق عامه داشتیم بحث محیط زیست بحث مفاسد اقتصادی یا دولت ورود بکند.

بنابراین قطعاً در درجه اول ما در فرامین هم داریم که امر به معروف و نهی از منکر باید عالم و مطاع باشد. این نکته مهم است در بحث قدرت یکی از شروط امر به معروف و نهی از منکر را می گویند داشتن قدرت هست این یک نکته دقیقی دارد. شهید مطهری

می گویند: داشتن قدرت شرط وجوب نیست، شرط واجب است. یعنی نمی توانی بگویی چون قدرت ندارم دیگر از من برداشته شده است. یعنی اگر دیدی یک نفری نمی توانی، سه نفر بشوید قوی بشوید. حزب تشکیل بدهید ، تشکل تشکیل بدهید. این موج هنوز به نظر من راه نیفتاده است. اتفاقا نکته جالب این است که دو وجهش مردمی است و یک وجهش دولتی. می گوید مردم نسبت به دولت مردم نسبت به مردم دولت نسبت به مردم. یعنی دو وجهش دارد به مردم توجه می دهد.

ما امر به معروف و نهی از منکر را آن طور که باید و شاید نتوانسته ایم به مردم بشناسانیم. و آموزش بدهیم تا بدانند امر به معروف و نهی از منکر فقط یک موضوع مثل حجاب نیست. این هم ببینید ما باید قبول کنیم کسانی که در قدرت هستند غالبا دوست ندارند امر به معروف و نهی از منکر بشوند پس خیلی هایشان جو سازی می کنند.

یعنی برای اینکه امر به معروف و نهی از منکر محقق نشود جو سازی می کنند. گاهی اوقات ما به قانون نیاز داریم برای اینکه جلوی این اعمال قدرت ها گرفته شود. یعنی شرایط را شفاف بکند که یک مسوولی به خودش اجازه ندهد جلوی این را بگیرد . وقتی هم می خواهند امر به معروف و نهی از منکرش بکند بیاید تغییرش بدهد. باز هم من معتقد هستم ما در بحث امر به معروف و نهی از منکر نیازمند دقت بیشتری در قانون هستیم. الان رایج شده که می گویند امر به معروف و نهی از منکر را حقوقی اش نکنید. اخلاقی است. الان موضوعی مثل حقوق بشر را ببینید، چقدر راجع به آن قانون داریم. یعنی حق مردم، حق الناس، هزاران شورا داریم. یک شورا در سازمان ملل شورای حقوق بشر است سالی حدود صد قطعنامه در آنجا تصویب می شود. محتوایی در قالب حقوق بشر. پس ببینید ما باید چهارچوب هایی را مشخص بکنیم وگرنه ضمانت اجرا نداریم. این که غربی ها در عمل به این رسیده اند که باید به هم دیگر تذکر بدهند یک بحث است . یک بحث ، بحث مبانی است. خیلی مهم است. من فکر میکنم ما مبانی بسیار قوی داریم در بحث دخالت مردم در کار یکدیگر ولایت مومنین هست، همان طور که آقای دکتر گفتند امر به معروف و نهی از منکر نوعی دلسوزی است، من با شما دشمن نیستم، من می خواهم اشتباهی که دارید می کنید را تکرار نکنید. المومنون و المومنات بعضکم اولیاء بعض.

به این نکته باید توجه کرد که امر به معروف و نهی از منکر با ارشاد متفاوت است. در امر، استعلا نهفته شده است. امر باید آمرانه باشد بله شما می توانید همین را به گونه ای مسالمت آمیز مطرح کنید، ولی در جایی که فردی عالما و عامدا دارد یک کاری را انجام می دهد این متفاوت است با فردی که اطلاعی ندارد. من نمی دانم این کار من اشتباه است، در اینجا باید بیاید من را آگاه بکنید نه اینکه برخوردی آن گونه بکنید.

آن قضیه ای که امام حسن و امام حسین علیهما السلام به آن پیرمرد که اشتباه وضو میگرفت وضو یاد دادند امر به معروف و نهی از منکر نیست. یک اشکالی که ما داریم به نظر من نبود قانون و شفافیت است. ما بسیاری از مصادیق را می گوئیم امر به معروف و نهی از منکر می گیریم، در صورتی که اینها امر به معروف و نهی از منکر نیست. کار فرهنگی زمینه ساز امر به معروف و نهی از منکر است، خودش امر به معروف و نهی از منکر نیست.

بعضی مواد این طرح باید شفاف تر شود، بعضی ها هم شاید بی سلیقگی بوده، همین شورایی که ایجاد کردند، هم باز مشکل دارد. با قانون اساسی مخالف است. یعنی شورای نگهبان با چند تا از اصول مختلف قانون اساسی مقابلش قرار داده است که دیگر بحث حقوقی هست و اینجا فرصتش نیست.

منتها به نظر من بالاخره باید در زمینه باید کار شود، اما کار مردمی باید باشد. بالاخره ما کاری میکنیم که مردم احساس بکنند حقوقشان، چه دینی و چه اجتماعی، چه حقوق اقتصادی همه از طریق امر به معروف و نهی از منکر قابل ایفاست. مردم حق دارند در جامعه ای عاری از فساد زندگی بکنند. راهکارش را باید بحث بکنیم. و سکوت هم در این زمینه واقعا قابل قبول نیست.

ولی ببینید چون هیچ کس حرکتی نمی کند یک عده ای دلسوزانه حرکتی را انجام میدهند که ممکن است در آن ضعف قلم هم باشد. به نظرم این که می گوید قانون تعیین میکند این ها چیزهایی است که باید طرح بشود...؟!... باید به نظر من به این ها کمک کرد اگر دلسوزانه باشد و اگر واقعا میخواهند کاری بکنند تشویقشان بکنیم و انتقاد هم بکنیم. من خودم چند جای مختلف مصاحبه کردم و انتقاد کردم به این بحث، ولی سعی کنیم که این تجمیع بشود. این که میگویند امر به معروف کردن رو فرا گرفت یعنی تمام واجبات با امر به معروف و نهی از منکر اقامه خواهند شد. امر به معروف و نهی از منکر وارد امنیت راه ها می شود، امر به معروف و نهی از منکر وارد سالم شدن اقتصاد میشود.

این ها همه نشان میدهد که چقدر امر به معروف و نهی از منکر قابل توجه هست و چقدر ما باید به آن اهمیت دهیم. من امیدوارم که به هر حال آنچه که در این جلسه گفته شد، موثر باشد. واقعا شرایط امر به معروف و نهی از منکر را از نظر من و حدود آن را یک مقداری باید به آن توجه بیشتری بکنیم. هم دانشگاه ها و هم حوزه های علمیه ی ما. یکی از حوزوی های ما که بسیار هم سنتی هست خودش اعتراف میکرد یکی از دلایلی که ما اصل هشتم را انچنان که باید و شاید نتوانستیم تدوین کنیم این هست که حوزه ی علمیه در این زمینه کم کار کرده است. یعنی باید خیلی به این زمینه ورود کرد. یعنی اگر این اتفاق بیفتد من فکر میکنم بسیاری از مشکلاتی که ما در کشور داریم از طریق این واجب اجتماعی قابل حل هست. در نهایت از حضرات و جناب آقای دکتر شیخ الاسلامی و از برگزار کنندگان تشکر می کنم. ما هم اینجا نشستیم برای این که نقد ها را بشنویم. هر جایی که دستمان میرسد اگر ایرادی در این قانون هست، به نظر من بالاخره تصویب خواهد شد. کاری بکنیم که با کمترین اشکال و ایراد این قانون تصویب بشود و نتیجه ی آن مطلوب باشد.

مجری: یکی از نکاتی که مطرح شده بود این بود که شما فرمودید هیئت منصفه را از بین مردم انتخاب میکنیم و مردم خودشان قضاوت کنند. یکی از ایرادهایی که مطرح شده این است که چطور مردمی که تخصص ندارند در جریان قضاوت احساسات بر آن ها غلبه کند، با جوسازی بتوانند رای آن ها را بچرخانند، این درست است؟

سوال بسیار خوبی است. ببینید راجع به هیئت منصفه نظرات مخالف و موافق زیاد است. یک مقاله ای هم من دیدم در مجله ی علوم اسلامی رضوی تحت عنوان هیئت منصفه، مشروح است. نظرات مخالفین موافقین حتی در غربی ها هم مخالف دارد. جالب بود وقتی وارد کشور ما شد، چه در مشروطه چه در جمهوری اسلامی در حیطة ی جرائم مطبوعاتی و سیاسی آورده اند. البته در جرائم مطبوعاتی هیئت منصفه تشکیل شده اما در جرائم سیاسی، چون هنوز تعریف نشده، هنوز ما هیئت منصفه نداریم. حالا

نگاه کنید من میخواهم همین نکته را بگویم. شاید شما میبینید در یک پرونده ی کلاهبرداری یا یک پرونده ی قتل عمد که بسیار پیچیده است و طرف ممکن است وکلای مجربی داشته باشد میتوانند هیئت منصفه را دور بزنند یعنی ان هایی که مخالف اند نیز همین را میگویند که در مسائل قضایی مسائل تخصصی است . طرف باید حقوق دان باشد انسان فکوری باشد نه مردم کوچه و بازار که در تاکسی می نشیند و هیئت منصف می شود . این وکیل یک حرفی بزند نظرشان عوض شود وکیل دیگر حرف بزند نظرشان عوض می شود و مخالفت می کند با این نهاد.

ولی ما در جرائم مطبوعاتی و سیاسی شک نداریم که قضاوت مردمی خیلی خوب است .و به نفع حکومت است و ما اگر در حوزه سیاسی جرم را تعریف می کردیم و هیئت منصفه را از افراد مردم به طور رندوم نه یک سری آدم های سیاسی ، یک راننده تاکسی یک دانشجو یک معلم می آمدند می نشستند دادگاه هم علنی بود . امر به معروف همین بود دیگر . آن آقای که یکی ضد نظام است حرفش را میزد ، حکومت باید دفاع میکرد مردم هم قضاوت.

ببینید اتفاقا این جا تخصصی نیست .ماحقوقی ها یک مشکلی داریم و ان این هست که ذهن ما ربا قانون بسته اند . هیئت منصفه که امثال شما هستید و دوستان ، ذهن شما ذهن پاک تری است نسبت به ما .ما چون ذهنمان را با قانون بسته اند، گاهی اصلا نمیتوانیم خوب فکر کنیم . بخصوص اگر ذهن ما را غیر از قانون با حکومت هم بسته باشند .تعصبمان نسبت به نظام و حکومت و باعث می شود دیگر اصلا نمی توانیم قاضی خوبی شویم.

من یک مثالی برای شما میزنم شما فرض کنید دولت ایران پشت پرده تصمیم میگیرد ، فرضا دریای مازندران با روسیه قراردادی میبندد به خاطر مشکلات هسته ای به آن ها امتیاز زیادتری بدهد . فرض کنید غرب ۳/۱ و انها ۳/۲ .یک مهر به کلی سری هم روی این قرار داد بزند . من خبرنگار متوجه میشوم و این را منتشر میکنم .اگر از من حقوق دان،شیخ الاسلامی بپرسند آیا این محقق شده است، من میگویم بله این طبقه بندی شده سری هست این خبرنگار هم مرتکب جرم شده و باید مجازات شود.اگر تعلق به حکومت داشته باشم که می گویم اصلا حکومت مصلحت دیده است.و ما نباید مانعش شویم.

ولی اگر ۱۱ نفر مردم کوچه و بازار را بیاوریم .طرف دفاع میکند می گوید حالا حکومت انقدر ناراحت هست که فکر میکند تصمیم درستی گرفته است اما من هم فکر میکنم تصمیم درستی گرفته ام .مردم یا به خبرنگار میگویند تو اشتباه کردی و مجرمی یا به حکومت میگویند که شما اشتباه کردید .افشاء سر هم می گویند که یک جرم بسیار بزرگ در حقوق جزاست اما گاهی قضاوت های مردمی منطقی تر و قضاوت های درست تری هست نسبت به منی که همه چیز را میخواهم در چهارچوب حقوقی نگاه بکنم.

توهین ،همه میگویند بد است جرم است و مجازات دارد ولی خب یک خبرنگار هر کار دلش خواست بکند توهین هم کرده باشد میگویم حالا حرف ها را زد توهین هم کرد ایرادی ندارد . مردم عادی قضاوت هایشان متفاوت است . من جمع بندی ام این است که در جو مطبوعاتی و سیاسی که اصل هشتم قانون اساسی اصل فراموش شده ایست که مردم در قضاوت ها حکومت را از شائبه دور می کند و واقعا در موضوع فتنه که مشخص نیست چیست یک عده میگویند حق با آقای میر حسین موسوی و کربوبی است و یک عده میگویند این ها خیانت کرده اند به کشور . وشما دانشجوها هم این اختلاف عقاید را در بین خود میبینید و ما هم در روشنفکران میبینیم ،یک بار برای همیشه اگر یک هیئت منصفه ی مردمی نه انتصابی انتخابی نه چپی و نه راستی که گاهی اوقات

ما از تفکر خودمان قضاوت میکنیم. راستی فقط خطاهای چپی رامیبینیم و خودمان را نمیبینیم. چپی هم باشیم همین طور. یک قضاوت مردمی می آمد میگفت اقا مقصر کی بود در این قضیه. یک بار برای همیشه با رای مردم ختم میشد این بهتر بود. حکومت هم به نفعش است. ما همیشه در جلسات با دوستانی که نماینده اند میگویم به نفع شماس استباه میکنید. شما شاید حق داشته باشید ولی آن طرف مظلوم نمایی میکند. چرا مظلوم نمایی میکند؟ چون میگوید آقا تو داری با قدرتت مرا مجازات میکنی اما اگر نه بگوییم مردم دارند تو را محکوم میکنند تو اشتباه کردی. ما باید این کار را میکردیم.

صدای دانشجو: پس ۹دی چی بود؟

دکتر شیخ الاسلامی: آن طرف هم می گویند خب به طرفداران میرحسین مجوز ندادید به طرفداران احمدی نژاد مجوز دادید
صدای دانشجو: آنها هم ۲۵ خرداد را داشتند.

حالا بحث نمی خواهیم بکنیم، فقط می خواهیم بگویم هیئت منصفه و قضاوت های مردمی من بهش اعتقاد دارم. در جرایم تخصصی در مباحثی مثل فرض کنید قتل، پرونده های پیچیده کلاه برداری من هم اعتقادی به هیئت منصفه ندارم. ولی در جرایمی که جنبه مردمی دارد و قضاوت های مردمی بسیار برای ما مهم است، این هیئت منصفه در جرایم سیاسی و مطبوعاتی میتواند به حکومت کمک کند.

مجری: یعنی هیئت منصفه در هر پرونده متغیر است؟

دکتر شیخ الاسلامی: بله، اصلا هیئت منصفه ای که ما گرفتیم هیئت منصفه نیست. ما فرض کنید مثلا آقای عسکر اولادی آقای محقق داماد، در مشهد فرض کنید مثلا افراد مهم، هیئت منصفه گذاشتیم انتصابی هم هستند. این هیئت منصفه اسمش نیست، دکور هیئت منصفه است.

هیئت منصف در انگلستان اینجوری است که کامپیوتری جلو مدیر دفتر دادگاه هست میگویند فردا دادگاه فلان پرونده است. تا روز قبل هم کسی نمی داند هیئت منصفه کیست؟ به صورت رندوم آن هایی که میتوانند رأی بدهند. اسم یازده نفر می آید تکلیف اجتماعی هم هست اگه نروی تخلف و جریمه ات می کنند. من می آیم در دادگاه تمام موبایلم قطع، چون هیئت منصفه نباید تحت تأثیر حرف های اطراف قرار بگیرد. این ها در حقیقت زندانی میشوند محاکمات رو میبینند وکیل از طرف دفاع میکنند دادستان دفاع میکند بعد اینها میروند وارد شور میشوند به دادگاه پاسخ میدهند این آقای متهم آیا مجرم هست یا خیر؟ بر اساس قانون قضاوت نمیکنند چون قانون بلد نیستند بر اساس وجدان. (۱) این آقا مجرم هست یا نیست؟ اگر نیست که تبرئه، اگر هست (۲) آیا مستحق تخفیف هست یا خیر؟ بر اساس آن، این قضاوت صورت میگیرد.

سوال دانشجو: خب این که ولایت طاغوت می شود؟

خبرگان قانون اساسی ایران مجتهدینی مثل شهید بهشتی مثل آیت الله منتظری مثل اینها که خودشان بنیان گزاران این نظام بودند و این نظام را طراحی کردند اصل ۱۶۸ را پذیرفتند گفتند باید هیئت منصف ای وجود داشته باشد با همان دیدگاه هیئت منصفه مردمی و من هم اعتقاد دارم هیچ منافاتی با اسلام ندارد پیامبر اسلام هم هر وقت میخواست قضاوت بکند در مسجد قضاوت میکرد مردم را هم جمع میکرد از مردم هم نظر خواهی میکرد حالا شده هیئت منصفه مخالفت با اسلام ندارد مثل هزاران پدیده دیگری که مابینتی با شرع ندارد اگر چه ممکن است به این عنوان در اسلام وجود نداشته باشد.

جمع بندی من اینکه این قانون به قول آقای دکتر حتما تصویب میشود ولی یک قانون مفلوک بیخودی است. دو سال دیگر یکسال دیگر اصلا مردم فراموش میکنند که چنین قانونی وجود داشته که بعضی از آن استفاده میکنند و گرفتارش هم هستند در جلسات هم حضور پیدا نمی کنند فقط حقوقش را میگیرند ، بنظر من ارمغانی ر برای جامعه ما در امر به معروف و نهی از منکر ندارد.

مجری: یکی از نکاتی که در بحث مطرح شد این بود که یکی از حوزه های امر به معروف، آزادی مطبوعات و رسانه ها هست که ممکن است به نوعی امر به معروف و نهی از منکر را مخصوصا در رابطه با حاکمیت گسترش بدهد. شما نقش این قسمت را رابطه با امر به معروف و نهی از منکر چقدر پررنگ می بینید ؟

دکتر طلابکی: مشخص است بالاخره قطعا مطبوعات در نقد و نهی از منکر تاثیر بسزا و مهمی دارند . البته ما یک سری ضوابط و شرایطی داریم برای امر به معروف و نهی از منکر که اینها باید رعایت بشود ما در امر به معروف و نهی از منکر مراتبی داریم. اینطوری نیست مثلا من به صرف اینکه بگویم آقا یک نفر یک کاری کرده است ، در همه جا این را پخش بکنم که مثلا ایشان این کار را کرده است. ما در اسلام یکسری قید و بند هایی داریم که به این راحتی نمیشود ، مثلا هر چیزی را به صرف اینکه من فکر میکنم این اتفاق افتاده بیایم و مطرح بکنم این ضوابط و قوانینی دارد . ولی باز به نظر من ابهام دارد . جزء آن مواردی هست که میشود شفاف ترش کرد . لذا به نظر من این نقششان قطعا موثر هست . درواقع کسی برای اینکه بتواند امر به معروف و نهی از منکر بکند قاعدتا باید بتواند حرف بزند.

مجری: بیشتر بحث شان رسانه های خصوصی است که نیروهایی می خواهند آن را راه اندازی بکنند و دست دولت نیست.

دکتر طلابکی: رسانه های خصوصی که داریم

مجری: شبکه تلویزیونی

اگر منظور شما بحث تلویزیون باشد حالا این قابل بحث است . مثلا ما در زمانی اصل ۴۴ قانون اساسی را نوشتیم با یک دیدگاهی، درواقع دیدگاهی وجود دارد مبنی بر اینکه تمام اقتصاد باید دست دولت باشد صنایع بزرگ ، نیروگاه ها .خب بعد از گذشت زمان سردمداران نظام - قبلا امام هم تاکید زیادی داشتند و رهبری هم تاکید زیادی داشتند که اقتصاد باید دست مردم باشد- خب

به این نتیجه رسیدند. سیاست های کلی اصل ۴۴ آمد و در آن یکسری تغییراتی ایجاد کرد. در مورد مطبوعات هم اینطوری هست. حالا بطور خاص، صدا و سیما، فعلا قانون اساسی میگوید، ما فعلا بحث درون قانونی می کنیم، صدا و سیما مجموعه ای است که از طریق حاکمیت ایجاد میشود. اما اینکه ما شبکه های خصوصی، یعنی تلویزیون خصوصی داشته باشیم، این قابل بحث است. حالا در این زمینه من کار نکردم، بخواهم اظهار نظر مثبت یا منفی بکنم.

نکته ای را راجع به بحثی که آقای دکتر فرمودند، در بحث هیئت منصفه اشاره بکنم. ببینید در اصل ۱۶۸ قانون اساسی فقط میگوید که جرایم سیاسی-مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه تشکیل و بررسی میشود. ولی دقیقا نگفته که به چه نحو، یعنی آیا این هیئت منصفه همانی است که در غرب هست که یعنی اعضای هیئت منصفه تعیین می کنند که فرد مجرم است یا مجرم نیست؟ یا نه. چون طبق آنچه ما می فهمیم از قواعد فقهی قاعدا صدور حکم با قاضی است. آن بحثی که ایشان گفتند طاغوت شاید منظورشان این بوده چون بالاخره قاضی باید دارای یک ولایتی و قضاوتی باشد آن تشخیص میدهد. ولی میتواند هیئت منصفه جواب سوال دومی که شما گفتید آیا این فرد مستحق تخفیف هست یا نه؟ این فردی که این کار را انجام داده بالاخره جرم کرده، که این مشخص است جرم بوده، منتها آن هیئت منصفه میگوید ایشان با قصد و نیت مثلا امر به معروف و نهی از منکر بوده است. یعنی حتی میشود هیئت منصفه را این گونه تعریف کرد.

سوال: آیا در قانون تعریفی برای جرم سیاسی داریم؟

دکتر طلائی: نه، این که ما نداشته باشیم در بسیاری از کشور های دیگر هم بر سر تعریف جرم سیاسی اختلافات زیاد هست.

البته این اواخر دیدم پیش نویس طرحی در مجلس شورای اسلامی تهیه شد ولی مثل اینکه هنوز به نتیجه نرسیده است. مثل خیلی از واژه ها مثل حریم خصوصی در حریم خصوصی اختلاف زیاد است. حتی خود فمنیست ها هم با تعریف حریم خصوصی مخالفند میگویند این حریم خصوصی موجب ظلم به زن میشود. بعضی از آنها میگویند نه باید باشد.

اگر بخواهیم نتیجه بگیریم ما هنوز تعریفی برای جرم سیاسی تعریفی نداریم. آقای دکتر گفتند که اختلاف نظر راجع به آن زیاد است. ولی میخواهم بگویم اصل ۱۶۸ شفاف نیست. یعنی اینجور نیست که شفاف بگوید این هیئت منصفه همان هیئت منصفه ای است که در کشور های غربی هست قاعدا، این هم باز واگذار شده به قانون و قانون گذاران ما، باید به نوعی تصمیم بگیرند.

به عنوان جمع بندی بحث می خواهم بگویم، ببینید این که من در بحث قانون خیلی تاکید میکنم. ببینید در کشور های غربی وقتی یک نفر از حقوق خودش میخواهد دفاع بکند حکومت باید از او پشتیبانی بکند. نهاد هایی هست که خود حکومت این نهاد ها را تشکیل میدهد، نهاد ملی حقوق بشر، و این نهاد حمایت میکند از مدافعان حقوق بشر، اگر ما می گوییم قانون برای این

است. باید حکومت از کسانی که میخواهند امر به معروف و نهی از منکر بکنند، حمایت بکند. چون این افراد بتوانند بدون واهمه آنچه که طبق قانون به آنها اجازه داده شده، استیفا بکنند و با آنها مقابله نشود و از آن طرف سوء استفاده هم نشود.

سوال دانشجو: فرمودید که عالمان باید امر به معروف بکنند یعنی این فقط وظیفه عالمان هست؟ و دیگر این که فرمودید ماشین حریم خصوصی نیست، مگر ماشین در معرض دید قرار نمی گیرد؟ مگر کسی سرش را داخل اتومبیل می کند که صدای بلند ضبط را بشنود؟ یا وقتی خانه ای در معرض دید قرار می گیرد؟

دکتر شیخ الاسلامی :

اما سوال اول، ایشان توضیح دادند یک شرط وجوب داریم یک شرط واجب. شما برای اینکه نماز بخوانید شرط واجبش اینکه وضو بگیرید و آلا نمازت فایده ندارد. واجب است یاد بگیرید چطور وضو بگیرید و یاد بگیرید چطور نماز بخوانید، وگرنه نمازت ارزش ندارد. برای امر به معروف و نهی از منکر هم فقها اعتقاد دارند انسان برای اینکه بتواند درست امر به معروف و نهی از منکر بکند، باید برود اطلاعات بدست بیاورد. معروف و منکر را بشناسد که کار خیلی سختی هم هست. گاهی تعریفی قانونی هم مشکلی را حل نمی کند. باید انسان خیلی مطالعه بکند.

گاهی خودم می خواهم سر کلاس به عنوان معلم به فردی تذکر بدهم این شک در ذهن من هست این عالمانه است؟ اولاً کاری که کرد منکر بود؟ ثانیاً طرز درست؟ فکر میکنم با خودم، بعد می گویم. وگرنه گاهی بد تر میشود. بنابراین می گویم باید بروم مطالعه کنم. این در حقیقت لازم است که انجام بدهید و آدم هایی که اطلاعات فقهی ندارند، شیوه اش را بلد نیستند، احتمال تاثیر نمی دهند. بهتر است امر به معروف و نهی از منکر نکنند. تا حالا انجام دادند. وضع را خراب کردند انشاء الله در آینده انجام ندهند.

سوال دوم: آیا ماشین حریم خصوصی است؟ در تمام دنیا ماشین جزء حریم خصوصی هست. نگاه کنید جرم مشهود با حریم خصوصی فرق میکند. ما یک بحث داریم در حقوق جزا، جرم مشهود در ماشین هم اتفاق می افتد. فرد با سرعت زیاد می رود پلیس هم جلوی او را می گیرد. یک نفر را زیر بگیرد، بگوید حریم خصوصی من است. نه. حریم خصوصی منظور این است که بعضی از موارد هستند که ما حق مداخله نداریم. نه اینکه به این معنی باشد، اگر جرم مشهود، در ماشین صورت می گیرد، چاقو را در قلب یکی فرو کند، جرم مشهود است. حتی در پنجره نگاه میکنی می بینی یکی را پایین انداخت. در قانون آئین دادرسی کیفری میگوید پلیس باید مداخله کند. حتی پلیس میتواند ۲۴ ساعت بدون حکم بازداشت کند ولی این بحثی که در این طرح آمده تحت عنوان حریم خصوصی که باز حالا ما تعارض هم داریم یک قانون که جدیداً تصویب شده، آیین نامه است جدیداً آمده، دسترسی آزاد به اطلاعات، باز آن جا هم صراحتاً وسیله نقلیه حریم خصوصی است. تعارض در قوانین داریم. قانون گذار ما خیلی برایش مهم نیست که چه کار می کند. بنابراین به نظر من وسیله نقلیه جزء حریم خصوصی است و ما حق مداخله و بازرسی وسیله نقلیه را نداریم مگر جرم مشهود باشد.

سوال دانشجو: خب همین است دیگر کسی وارد ماشین که نمی شود! از بیرون مشهود است.

دکتر شیخ الاسلامی : زمانی بود همین بسیج ایست و بازرسی می گذاشت جلوی خود مارا می گرفت که ماشین را بگردم .

گفتیم: حریم خصوصی است اگر مقام قضایی دستور داده بله، ولی شما حق نداری بگردی؟ امنیت قضایی مردم از بین میرفت . اینها به مجوز قانونی نیاز دارد. بعد دیوان عدالت اداری این بخشنامه نیروی انتظامی را ابطال کرد - ایست بازرسی را- گفت حق ندارید وسیله نقلیه جزء حریم خصوصی هست ، کسی حق مداخله در آن را ندارد مگر در جرایم مشهود . الان خیلی وضعیت خوب است و قابل دفاع است .

دکتر طلابکی :

آقای دکتر توضیح دادند افراد باید علم کافی را در مورد معروف و منکر داشته باشند. در مورد حریم خصوصی نظر من مقداری با آقای دکتر مخالف است. در این مورد شورای نگهبان هم ایراد نگرفته است . ماده به نظر من دو بحث دارد: قسمت های مشترک آپارتمان و قسمت های مشترک اتومبیل.

به نظر من قسمت های مشترک آپارتمان خوب تنظیم نشده و این شبهه را ایجاد کرده که یک نفر می تواند از دیوار کسی برود بالا . نه ، اینطور نیست، شما در قسمت مشترک آپارتمان همسایه ات را می بینی. یعنی شما خودت داخل آنجا باشی نه اینکه بیرون باشی و بخواهی تجسس کنی. برداشت من این است . شاید غلط باشد. ابهام دارد .

در قسمت مشترک داخل آپارتمان مثل لابی هتل است و همه در آن حق رفت و آمد دارند. که حریم خصوصی هم نیست.

در مورد اتومبیل حریم خصوصی نداریم. تا جایی که من می دانم حریم خصوصی تعریف واحد و مشترکی نداریم. تا جایی که من مطالعه کردم، تعاریف این گونه است که آن حریمی است که فرد علاقه ندارد که دیگران آن را ببینند و از آن اطلاع پیدا کنند. حالا کسی که داخل اتومبیل است که خب می داند بقیه او را می بینند و نمی شود گفت که من چشمتان را ببندید و مرا نبینید خب در معرض دید است. همان که فرمودند، جرم مشهود مشهود است دیگر.

این که عده ای از بیرون سرشان را داخل ماشین کنند بله کار غلطی است . اما این که از بیرون داخل ماشین را ببینی بحثی دیگر است. این بحث هم کارشناسی است و نیاز به بررسی دارد. برخی نماینده ها هم هنگام تصویب این طرح مخالف بودند.

برخی ماشین را با قطار مقایسه می کردند و می گفتند پس مامور قطار هم می تواند بیاید داخل کوپه دیگران! پاسخ دادند قطار قصه اش فرق دارد. شما در را بستی و پرده را هم کشیدی خیلی فرق دارد با آن که اطرافت شیشه باشد و بقیه هم بتوانند تو را ببینند .

حریم خصوصی یک امر ثابت نیست و تابع تعریف قانون گذار است و باید مشخص شود که چیزی حریم خصوصی هست یا خیر و ما به این راحتی نمی توانیم در این مورد قضاوت کنیم. در مورد اینکه همه را باید تفتیش کنیم نمی شود به سادگی قضاوت کرد. در مواردی که مشکوک است به این سادگی نمی توانیم تفتیش بکنیم. یک بحث که وجود دارد این است که آیا مردم هم میتوانند دخالت کنند یا خیر. و در این مورد استفتا هم هست که آیا میشود تجسس کرد یا خیر؟

یک جایی است که پلیس مشکوک می شود و اتهامی ممکن است باشد و احتمال وقوع جرم وجود دارد که بحث حکم قضایی است و قابل انجام است.

مشکلی ما این است که رفتارهایی به غلط اتفاق می افتد و باعث می شود که مسائلی زیر سوال برود که به لحاظ اسلامی با آن هیچ مشکلی نداریم. این دو باید تفکیک بشود.

گاهی به نام اسلام شبهاتی ایجاد می شود . همین سوالات شما موید نظرات من است که ما امر به معروف را به مردم آموزش ندادیم و ما در این زمینه باید کار بکنیم و باید از مدارس شروع بکنیم. این امر سختی هم هست. امری که ما باید وارد حریم شخصی دیگران بشویم امری است که باریک تر از پوست ولی به هر حال وظیفه ماست.

مجری : تشکر می کنم از اساتید و دوستان که همراهی کردند.